

همشهری

حافظ

زلفت هزار دل به یکی تار مویست
راه هزار چاره گر از چار سو مویست

صفحات: ۱۲ | آگهی: ۱۲

www.hamshahronline.ir

www.hamshahronline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قرینی، شماره ۱۴

کد پستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ | تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۴

تلفن: ۲۲۰۳۰۰۰ | شماره: ۲۲۰۳۰۰۰ | شماره: ۲۲۰۳۰۰۰

صفحه آخر

ایرانشهر:
مدیر: زهره عباسی
تدوین: ...
مدیر: سعید محمدی
مدیر: مریم سرخوش
مدیر: جواد عزیزی
مدیر: سعید مرفی
مدیر: علیرضا محمودی
مدیر: جواد نصرتی

سیاسی و دیپلماتیک:
مدیر: حسین ارجلو
مدیر: پروانه بهرام نژاد
مدیر: مریم باقریور

صاحب امتیاز:
مؤسسه همشهری
مدیر: مسئول: محسن مهدیان
مدیر: دانیال معمار

مدیران سردبیری:
شهرام فرهنگی، علی عمادی
شاهین امین، حامد فوقانی
مدیر: فنی: حامد بزدانی
مدیر: هنری: مهدی سلامی
مدیر: عکس: امیر پناهپور

عکس خانه

درختان هنری شهر



اتفاق خوبی که این روزها در شهر زنجان افتاده این است که درختان خشکیده سطح شهر به جای بریده شدن، با داستان توانمند هنرمندان زنجانی به مجسمه‌های زیبا، مشاهیر و بزرگان زنجان تبدیل شده‌اند؛ کاری خلاقانه که پیش از این نیز در همین تهران خودمان به ویژه در خیابان ولیعصر توسط دانشجویمان رشته هنر و هنرمندان رخ داده بود. اگر از خیابان ولیعصر عبور کرده باشید حتما دیده‌اید درخت‌های خشک شده‌ای را که تبدیل به مجسمه‌های چوبی بی نظیر شده‌اند. درخت‌های انتخابی برای این کار هم، همگی خشکیده هستند و هیچ شاخ و برگ ندارند. در واقع این آثار بر روی بدنه این درختان اجرا می‌شود، اما هنرمندان موظف هستند که کار خراطی با اجرای طرح را به نحوی انجام دهند که کلیت درخت دچار انهدام یا نابودی نشود و باعث بهبود شکل ظاهری آن شوند. این کار چه در تهران و چه در زنجان، باعث زیبایی بصری در شهر و آشنایی مردم با هنرمندان می‌شود. به امید اینکه این طرح خلاقانه، در دیگر شهرها هم به همین روش به اجرا در بیاید.

گرتیویج

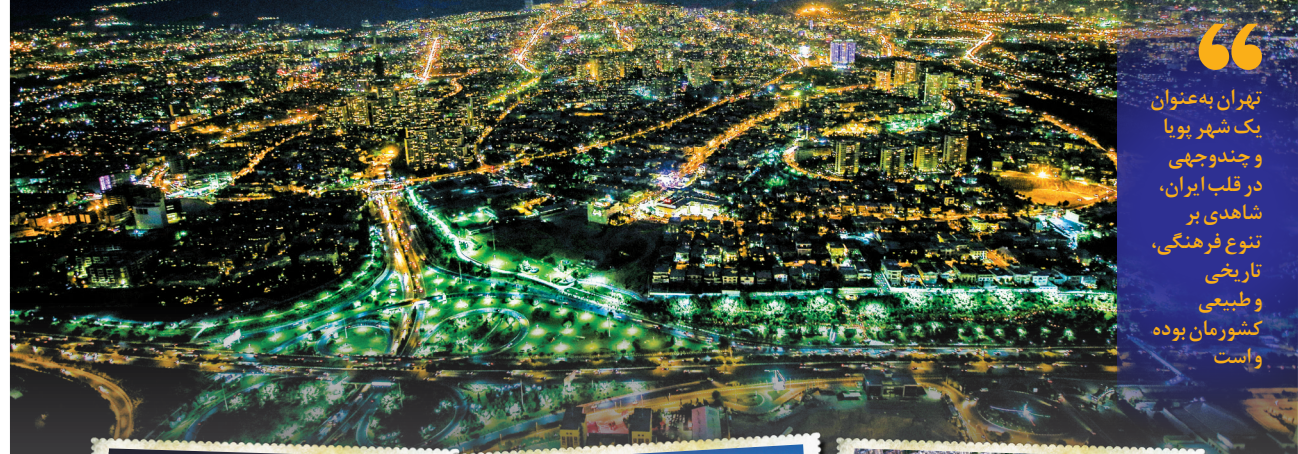
مهد کودک میلیون یورویی



اگر احتمالا برخی سسریال‌ها مثل «برکینگ بد» را دیده باشید، می‌دانید پولشویی چیست، پولشویی یعنی شخصی حقیقی یا حقوقی، برای فرار از مالیات یا فساد مالی، شرکت یا مؤسسه‌ای خدماتی تأسیس کند که اسناد رسمی آن، هزینه‌های سنگینی را نشان می‌دهد، اما در دنیای واقعی، این میبالغ هزینه نشده است. حالا این روزها، این اتفاق در مجارستان رخ داده که مهد کودک‌کی در روستای «گازار» واقع در استان «توگراد» که ماه سپتامبر امسال افتتاح شده است، اسناد رسمی نشان می‌دهند که امسال اتحادیه اروپا، مبلغ ۱/۸ میلیون یوروی برای اداره این مهد کودک هزینه کرده است، اما این در حالی است که تنها ۱۲ کودک از خدمات این مهد کودک استفاده می‌کنند. با یک حساب سرانگشتی، اینطور به نظر می‌رسد که برای هر کودک در این مرکز خدماتی، ۱۵۰ هزار یورو هزینه شده و این در حالی است که در این روستا، می‌توان با این مبلغ، یک منزل مسکونی بزرگ خرید، مجارستان همواره در طول سال‌های گوناگون و براساس جدول امتیازدهی اتحادیه اروپا، یکی از فاسدترین کشورهای اروپایی است و حالا واحد مبارزه با تقلب و کلاهبرداری اتحادیه اروپا، تحقیقاتش را آغاز کرده تا ببیند در این مهد کودک، آیا کاسه‌ای زیر نیم کاسه هست یا نه؟

تهران رقیب شهرهای زیبای جهان

عکس‌های چشمگیر هوایی از تهران، این شهر را در فضای مجازی مشهور کرده است



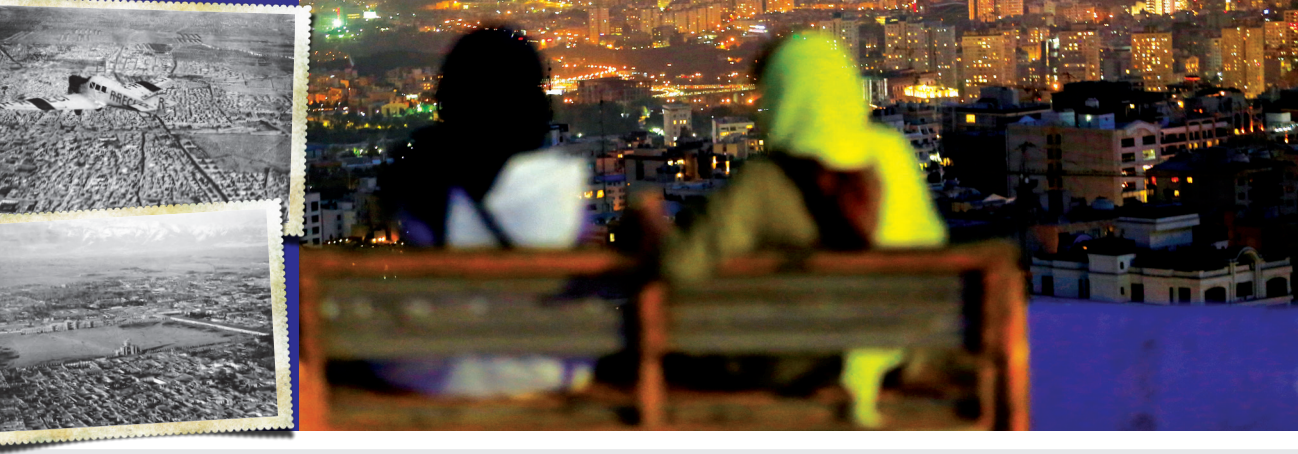
تهران به عنوان یک شهر یویا و چندوجهی در قلب ایران، شاهدی بر تنوع فرهنگی، تاریخی و طبیعی کشورمان بوده است



آب‌هایی که اهل گشت و گذار در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی هستند، شاید دیده باشند که یکی از کاربران زیر پست یک فرد مصری که تصویری هوایی از شهر قاهره را به اشتراک گذاشته، نوشته است: «فکر شو نمی‌کردم شهری زشت‌تر از تهران وجود داشته باشه!». اجازه بدهید همین اول ماجرا این دوست عزیز مخالفت کرده و بگویم که بر خلاف نظر این کاربر، اتفاقا تهران یکی از زیباترین شهرهای جهان است. واقعیت این است که تهران به عنوان یک شهر بویا و چندوجهی در قلب ایران، شاهدی بر تنوع فرهنگی، تاریخی و طبیعی کشورمان بوده است.



اولین عکس هوایی از تهران مبتل هولتسر سال ۱۳۰۳ خورشیدی و در آستانه سرنگونی سلطنت قاجار به بران آمد. او از طرف شرکت هواپیمایی «یونگرس» مأموریت یافت تا خطوط هواپیمایی ایران را در دوره قاجار بررسی کند. او تنها عکاسی بود که علاوه‌داشت از آسمان تصویر شهرها را ثبت کند؛ زاویه متفاوتی که چشمان مردمان آن دوره ناپه‌حال تجربه نکرده بودند. هولتسر در همان سال از تهران فیلم و عکس گرفت و از معروف‌ترین عکس‌هایی که از فراز تهران تهیه کرد، عکسی است که از میدان مشق گرفته است. عکس‌هایی که او از تهران گرفته است به عنوان نخستین عکس‌های هوایی تهران نام برده می‌شود.



کوچه گرد

چرا ورودی خانه‌های قدیمی عقب‌تر از لبه پیاده‌راه بود؟



قدیم‌ها فقط روی خوش صاحبخانه نبود که دعوت می‌کرد به جای، ورودی خانه‌اش هم به تو می‌گفت «قدمت روی چشماتم» در بنای خانه هم جایی برای قدم‌های تو می‌گذاشت. ورودی خانه‌های قدیمی را که تماشا کنی، می‌بینی چون اغلب خانه‌ها در کوچه‌های تنگ و باریک بودند، ورودی خانه را یک تا یک و نیم متر عقب‌تر از لبه راه می‌ساختند. این عقب‌نشینی مناسیبی بود برای ایستادن یا نشستن آدم‌ها. صاحبخانه می‌توانست بدون مزاحمت برای همسایگان و عابران به استقبال یا بدرقه مهمانان خود بیاید. یا وقتی کسی با صاحبخانه کار داشت با فرغ پال جلوی در به انتظار می‌ایستاد یا روی سسکوهای پیرنشین استراحت می‌کرد. البته وقت بارش باران، خستگی و یا سختی تحمل آفتاب، دقایقی را زیر سردر خانه استراحت می‌کرد. گاهی هم که برخی خانه‌ها ورودی‌شان فرورفتگی نداشت و در خانه هم‌ارستا با دیوار بود، جرزهای دو طرف در، حدود ۱۰ سانتی‌متر، توی کوچه جلوی می‌آمد؛ البته نه بیشتر از این تا فقط فضای باشد برای ایستادن بدون مزاحمت. برخی خانه‌ها هم ورودی‌شان به کل درون کوچه بود و این وقت‌ها جرزها و ستون‌های در ورودی جلوتر از معبر بودند. این کار زمانی صورت می‌گرفت که خانه در خیابانی وسیع قرار داشت یا جایی شبیه میدان. البته این پیش‌آمدگی بنا هم بود و ستون‌ها حدود نیم‌متر از سطح دیوار بیرون می‌آمد.

اگر هم ورودی خانه‌ای نباشد کوچه قرار می‌گرفت، ورودی را پُخ می‌ساختند. چون کوچه‌ها کم عرض بودند و نبش، جای مناسبی برای ورودی نبود و ممکن بود به دلیل نداشتن دید کافی، تردد اهالی خانه با عابران در کوچه هم‌زمان شود و این اتفاق خیلی خوشایند نبود. در انتهای راه‌های یک‌بست هم باز به دلیل همین کم‌عرضی، تنها در ورودی کوچه قرار داشت؛ یعنی آخرین خانه در امتداد مسیر کوچه قرار می‌گرفت. بسرا برای همین برخی از کوچه‌ها چون تنها یک خانه در آن بود برای حفظ امنیت و حریم، در دیگری ابتدای کوچه کار می‌گذاشتند و معروف می‌شدند به «کوچه درار».

گذشته از اینها، اگر ورودی بنا برای خانه مسکونی بود که بعد از در، دهلیزی وجود داشت و فضایی که وقفه بیندازد بین ورود از فضای بیرون به درون. اگر جایی بود مثل مسجد که حتما هشتی داشت؛ جایی برای محصور ماندن فضای داخل و دیده نشدن از بیرون، اما اگر ورودی مربوط به کاروانسرا یا تیمچه بود طوری ساخته می‌شد که خیلی سریع وارد فضای اصلی بشوی.

در این گذشته که حالا جز خیال و خاطره از آن نمانده، همه چیز در خدمت تعامل آدم‌ها با هم بود و بناها هم هوای آدم را داشتند. حواسشان، هم به اهالی خانه بود و هم همسایه و آشنا و رهگذر... آن وقت‌ها نوع دوستی و محبت در معماری خانه هم بود؛ جایی برای دمی ایستادن، نشستن، گفتن و حتی نغمیدن و تنها نفسی تازه کردن که شهرها با تک تک خانه‌هایش می‌گفت پناه و آسایش آدم‌هاست.



با اسکن این کیوارکد پادکست مربوط به یادداشت را بشنوید.

آخرالزمان در ایسلند



اینجا چشمه آب گرم «بلو لاکون»، جایی سردسیر و پر از برف در شبه‌جزیره ریکیانس در جنوب غربی ایسلند است که یکی از جاذبه‌های توریستی این منطقه به حساب می‌آید و هر سال بازدیدکنندگان فراوانی را به سوی خود جلب می‌کند. اما این تصاویر، پارکینگ خودروهای این مجموعه تفریحی، درماتی را نشان می‌دهد که مواد مذاب، در حال بلعیدن آن است. آتشفشان نزدیک این منطقه در کمتر از یک سال، ۷ بار فوران کرده و حالا بعد از ۸۰۰ سال خاموشی و از سال ۲۰۲۱، چنان خودی نشان می‌دهد که اهالی این منطقه اصلا به یاد ندارند. هتل‌ها و خانه‌های مجاور این منطقه توریستی تخلیه شده‌اند و مواد مذاب، آهسته آهسته در حال پیشروی است.

سوزه روز



نقاشی با قرص ماه

ماه، این تنها قمر طبیعی سیاره زمین که به دور ما می‌گردد، گاهی آنقدر به زمین نزدیک می‌شود و خودش را رنگی رنگی می‌کند که دل آدم‌ها را می‌برد و مسارا محور روی ماه خود می‌کند. حالا «مارسلا جولینا پیس» عکاس ایتالیایی، در طول ۱۰ سال عکس‌های خودش را از ماه گرفته و ۴۸ تصویر منتخب را در یک تصویر و کنار هم، به شکل مارپیچی، چیده تا ما هم از دیدن ماه‌های رنگی لذت ببریم؛ تصویری که این روزها در شبکه‌های اجتماعی هم بسیار دست‌به‌دست شده است.